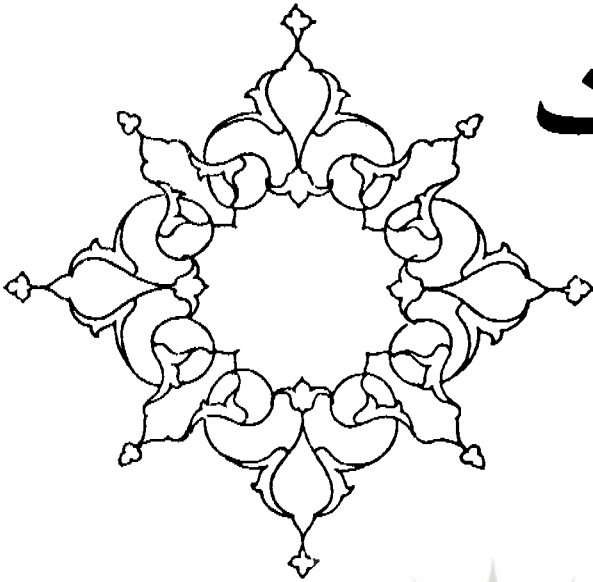


سوزولیت



ب - سروهای ادراکی، عقل، عواطف، اراده و غیره خصوصی مشکل بر بیکر اسان ساز بدادند و هرکدام که سلب شود با کاهش کردند. بطنان برکی برای اسان پیش می آید.

ج - برانندای مدون و نایل عمل از طریق وحی بوسط انبیا برای اسانها نازل شده است که دنیا را او را هدایت می کنند، و وقتی که اسان بر سردوراهینها فرار می کیرد، بوسرسی به آنان نشان می دهند.

د - رهبرانی بعنوان نموند عملی (اسنود) خداوند اعزام دانند، و معرفی فرسوده است که وجود آنان نسانکو اینسنگه اجرای اوامر بروردگار میسر است. و خود داری از آخده خداوند سبحان ممنوع فرموده و حرام کرداند است منکر می ناسد. هسنگه انبیا و بعضومین کرد ساهی یکی برند و اوامر را بوجه احسبه انجام رساندند. پس دستورات خداوند قابل اجرا و عمل هسند

سوزولیت از رستند سوال است و یکی از سداولرس و برهمنرس واردها در زبان ناری است.

سوزولیت، در اصطلاح معنی سوزول بودن و بونف بودن بداحام دادن ابری اسند. سوزول، کسی است که برصدای بر دسد دارد که اگر بر آن عمل کند، از او باز خواست شود. واره سأل و مستجابات فعلی آن حضرت سَأَلْتُمْ، سَأَلْتُمْ، سَأَلْتُمْ، و مستجابات ایمی آن حضرت سائل، سوزول حدود ۱۲۹ سوره در آیات کونند بر آن نکرار شده است.

هند اسانها براساس مکتب اسلام سوزول در سسگاه خداوند هسند، و این به حمد علی می تواند ناسد.

الف - تمام امکانات جسمانی اسان بشر اسسحوان، تضلات، اندامها، حواس ارسوی خداوند بدیر شده و در احصار اسان بیهاده بدادند، بندان هرکدام برای اسان بعضی برک است.

هد - در مجموع ، خداوند اسان را خلیفه خود در زمین قرار داده و بعنوان امانت دار خود برگزیده و او را اشرف مخلوقات قرار داده است . و استفاده از صدها ، بلکه هزارها نعمت را برای او مجاز شمرده

اینک چنین انسانی که بیک تعبیر از خود چیزی ندارد ، بلکه سخن طعی بر " هیچ ندارد " با دریافت اینهمه امکانات در بسگاه باربعالی مسوءول ومورد پرسش است .

هر ادعائی را که اسان می کند ، و هر قدرنی را که ارائه می نماید ، وقتی دقیقاً " برای خودش تجزیه و تحلیل کند ، می بیند که ماهیت آن از آن خودش نیست و عارینی است و لباس کبریائی بر قامت اسان نمی زبید . ثانوائی و عجز اسان وقتی معلوم است ، که معنی را از دست بدهد مثلاً " از لحاظ جسمانی یکی از اندامهای حسی او از کار بیفتد یا یکی از نعمتهای فراوانی که خارج از وجود اوست تضییع هوا یا آب کمیاب یا غیر قابل مصرف بشود ، یا در معرض پدیده های از حوادث طبیعت فرار گیرد .

مثالی در قرآن کریم است که نیارمندی ، و وابستگی اسان را می نمایاند . و چه ظرافت دارد ! (عنکبوت ۱۳) فَادَا رُكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُمُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيَهُم إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ . ۶۶ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَنَّوْا فِئُتًا يَلْمُونَ .

پس چون در کشتی سوار شوند ، بخوانند خدا را ، و دین را خالص برای او دانند . پس حور (خداوند) نجات داده اسان را نه خشکی رساند ، باز برایش شرک می ورزد . - ۶۷ کسر بورزند به آنچه دادیم به ایشان ! هر چه می خواهند بهره گیری کنند ! که برودی می -



دانند که حد کردند !

معمولاً " وقتی اسان غرق نعمتها است توجهی به آنها ندارد و امری طبیعی تلقی می کند و حق خود می داند ، در حالیکه حق اینست که اسان در ازای هر یک از نعمتهائی که در اختیار دارد ، ساکر و ساسکرار باشد ، بخصوص که به بصریح کلام اللہ سکر نعمت ، موجب افزایش نعمت است .

ابراهیم (۱۴) لَنْزُ سُرَّتُمْ لِآرِبْدَتِكُمْ وَلَنْزُ كَرْتُمْ اِنْ عَدَابِي لَنْزُدُ .

اگر سکر کند هزار بند بیشتر می دهیم بشما و اگر کافر شدید ، همانا عذاب من سخت است .

اسان و مسئولیت

خداوند در سوره ناسط آیه ۷۵ (مفرماید : ۷۸



أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى آيا انسان گمان می کند که او را مهمل آفریدیم؟

یعنی آیا سرخود رهائش کرده ایم ، و قیامتی نیست و حساب و کتابی درکار نمی باشد . . . در آیات بعدی اشاره دارد که آیا کافران فکر می کنند که ما قادر به زنده کردن مردگان نمی باشیم . آیه دیگر چنین است (مدثر $\frac{۷۴}{۳۸}$) *كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ* هرکسی در گرو آن عملی است که انجام داده است .

حق خداوند بر بنده اینستکه بنده عیودیت او را بجا آورد ، و کوئی بنده در گرو انجام چنین وظیفه‌ای است و اگر به وظیفه عمل نکرد درقید و بند است . وقتی انسان به وظیفه بندگی عمل نکرد ، مجرم است و مجرم مستوجب کیفر می باشد ، و سزاوار است که انسان از کیفر آتی خود دلواپس باشد .

آیه دیگری که با صراحت و سوء کدا " ناظر به مسولیت انسان است چنین است :

(اسراء $\frac{۱۷}{۳۷}$) *وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عِنْدَهُ مُسْئِلًا*

پیروی مکن چیزی را که به آن علم و اطلاع نداری ، همانا گوش ، و چشم و دل همه آنها از آنچه که در رابطه با آنهاست مسوول هستند .

درسوره اسراء از آیه ۲۳ بعد خداوند سبحان نواهی و اوامری فرموده است که نقل آنها در رابطه با شناسائی پاره‌ای از مسولینهما سببت دارد و ذیلاً " با اشاره نقل می شوند ، و آیه فوق یکی از آنها است . قبل از امر و نهی در آیات اولی سوره مبارکه عباراتی بشرح زیر است :

اگر نیکی کنید بخودتان نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید حاصل آن عاید خودتان می شود . ما جهنم را برای کافران بعنوان حبس قرار داده‌ایم .

این قرآن به آنچه قوام بخش تراست هدایت می نماید ، و مزده بده به مؤمنان که عمل صالح و نیکوئی انجام می دهند که برای آنان مرزی بزرگ است . . و برای افرادی که ایمان به آخرت نمی آورند عذاب دردناکی فراهم داریم . انسان همانطور که خیر و منفعت رامی - جوید همانطور باشتاب شر و زیان را می طلبد چون شتابگر است . مانامه عمل هرانسانی را ملازم کردن خودش قرار دادیم . روز قیامت نامه عمل هر فرد را بصورت نوشته بدروءیت او می - رسانیم ، به هر فرد می گوئیم نامه اعمالت را بخوان و کافی است که خودت باز پرس خودت باشی . هرکس هدایت پذیرد منفعت آن عاید خودش می شود . و هرکس راه انحرافی طی کند زیانش به خود او میرسد . هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را نمی کشد . ما کسی را عذاب نمی کنیم مگر اینکه

بوجهی که بهتر است تا به حد رشدش برسد، و وفای به عهد کنید که از عهد و پیمان سؤال و بازخواست می شود، در انتخاب کیل و پیمان به صحت و دقت عمل نمائید، و با ترازوی پیروی نوزین کنید. از آنچه علم به آن نداری پیروی مکن بر روی زمین باتکبر کام مگذار زیرا که تو نمی توانی زمین را بشکافی و از حیث جثه و بلندی به کوهها نمیرسی . . .

همه آنچه از واجبات و محرمات گفته آمد بدی محرماتش نزد پروردگار توزشت شمرده شده است. تمام آنچه از تکالیف فوقاً گذشت وحی است که به توشده و جملگی از حکمت اند. یا خداوند خدای دیگری را همراه مگردان که بخاطر آن (شرک در توحید) ملامت شده و رانده شده به دوزخ فروافتی، احکام و امرونی هائی که صادر شده اند و در این نوشته نقل گردید به تصریح یکی از همین آیات از مقوله حکمت اند، و هر حکم و دستور العمل عنصری از حکمت بشمار می آید.

هر کدام از امر و نهی ها یک وظیفه ای برای انسانست و یا وظیفه ای معلوم می دارد که انسان ها مکلف به انجام آن هستند، و در رابطه با هر کدام مورد بازخواست و سؤال قرار می گیرند.

یکی از این دستورات که محور اصلی گفتار قرار گرفت و هنوز خودش تشریح نشده است و همه میا حتی که کدشت بحث جانبی پیرامون آن است این آیه بود:

وَلَا تَسْفُهْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ

۱- لغت معین - مسغول بعنوان اسم مفعول
بمعنی، خواهش شده، نیز هست.

● ● ● ● ● ● محمد حسن آموزگار

قبلا" توسط رسول از کم و کیف عمل باخبرش کرده باشیم. هرکس نقد دنیای زود کدر را بخواهد برایش تاءمین می کنیم، آنگاه پایانش جهنم است. و هرکس آخرت را بخواهد و در مسیر آن کوشش کند و مؤمن باشد، پس سعی او مشکور است. ماهر دو فریق، دنیا خواه، و آخرت جورا امداد می کنیم و از نعمت خود بهره مند می سازیم، اما یکی دنیا را گرفته آخرت را فراموش می کند و دیگری از دنیا بِنفع آخرت بهره مند می شود.

بنگر که چطور بعضی را بر بعضی تفصیل می دهیم، البته بدان درجات و مقامات آخرتی به مراتب ارجمندتر هستند.

بیانات و حکمت های فوق برداشتی بود که از آیات اول سوره مبارکه اسراء بعمل آمد. اینک ذیلا" احکامی را که بصورت امر و یا نهی در کلام خداوند متعال در همین سوره اسراء نازل شده است نقل می کنیم تا بعضی از فقرات مسولیت انسان در پیشگاه باری، بر شمرده شوند.

خداوند حکم نمود که نپرستید مگر او را و به پدر و مادر اختصاصا" موقع پیروی نیکی کنید. . . حق صاحبان قرابت و بیچاره و راه نشین را بدهید. در مصرف نعمت اسرافکار نباشید، زیرا اسرافکاران همنای شیاطین هستند. اگر امکان مساعدت مالی هم اکنون نداری به کمکهای آینده امیدوار کن. در انفاق به محتاجان نه چنان دست باز باش که خودت معطل بشوی، و نه آنطور خست کن و بخل بورز که کوئی دستت به کردنت بسته است. نزدیک زنا نشوید که بس کار زشت و بد فرجامی است و قتل نفس که خداوند آنرا حرام کرده است مرتکب نشوید، پیرامون مال بتیم نروید مگر